عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی

صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان

مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان

رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان

لیتوگرافی و چاپ: پیمان چاپ تبریز

گروه ۴ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رتبه:۵۸ امتیاز: ۴۵/۱

نشانی:

تهران – خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد – پلاک ۹۷ – طبقه سوم

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۷۱۸۴

تبریز: بالاتر از میدان بسیج، روبروی رنگ بحرین، جنب MDF سلیمانی

تلفن: ۰۴۱۳۶۳۷۳۵۰۸

مسئول آگهی ها: ۰۹۱۲۴۶۶۰۰۴۳

لینک تلگرام: https// telegram.me /asrazadi.ir

Email: asrazadi۹۸@gmail.com

www.asrazadionline.ir

بازدید رئیس موسسه فرهنگی اکو از نمایشگاه «من کوب»

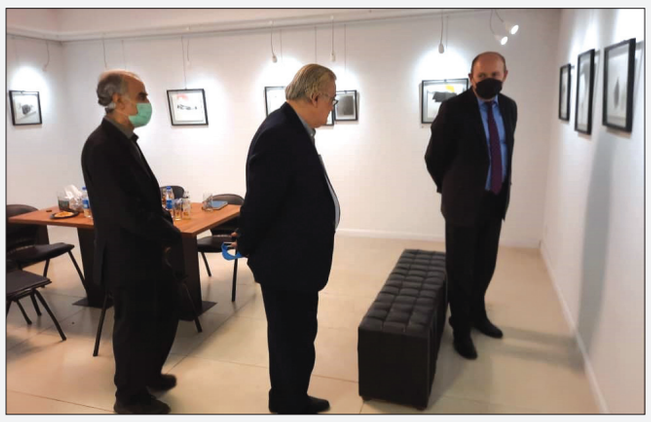

عصر آزادی / سرویس فرهنگی: پروفسور سرور بختی، رئیس موسسه فرهنگی اکو روز سه شنبه، ۷ سپتامبر سال ۲۰۲۱ مطابق با ۱۶ شهریور سال ۱۴۰۰ از نمایشگاه "من کوب" که در گالری هنری پژوهشی شهریاران برگزار شده است، بازدید نمود.

به گزارش عصرآزادی آنلاین به نقل از موسسه فرهنگی اکو، رئیس موسسه فرهنگی اکو ضمن بازدید از نمایشگاه "من کوب" که از ۱۹ طراحی بابک امجد، هنرمند تبریزی تشکیل شده است، با دکتر علی اصغر شعردوست، رئیس موسسه فرهنگی هنری "شهریار" دیدار و گفتگو نمود.

رئیس موسسه فرهنگی اکو برگزاری این نمایشگاه را فرصتی مغتنم و مساعد جهت معرفی آثار بابک امجد دانست و آمادگی خود را جهت همکاری با این موسسه اعلام نمود. دکتر علی‌اصغر شعردوست، مدیر عامل موسسه فرهنگی هنری شهریار نیز موسسه فرهنگی اکو را نهاد موثر فرهنگی در منطقه عنوان کرد و از پیشنهادات سازنده رئیس موسسه فرهنگی اکو استقبال نمود.

انتشارات شهریاران و موسسه فرهنگی هنری شهریار چندی قبل کتاب "ورق حسن"، اثر دکتر بدرالدین مقصودزاده، دانشمند تاجیک را که با پیشگفتار و مقدمه سرور بختی و دکتر علی اصغر شعردوست به مناسبت ۷۰۰ سالگی کمال خجندی، شاعر و عارف نامدار منتشر نمود و تعدادی از این کتاب را به کتابخانه موسسه فرهنگی اکو اهدا نمود.

عکس‌مکث۲۹ آ۱۱۱ای ماه !

سهراب مهدی پور

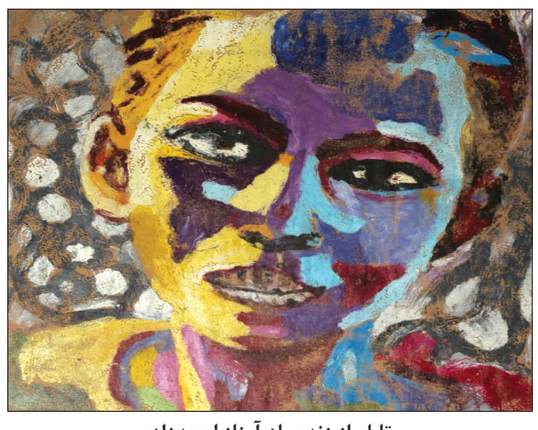

تابلو از زنده یاد آیناز احمدزاده

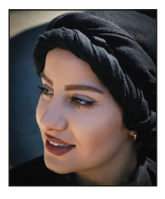

آماده بود. رنگ آماده بود. آماده اش کرده بود. تیوپ ها را یکی یکی باز کرده بود و از هر کدام به اندازه ای که می خواست در زیر دستی ریخت. انگار بخواهد خمیردندان روی فرچه ی مسواک بگذارد. بعضی ها را جداجدا و یک دو تا را هم روی هم. حالا باید رقیق اش می کرد. رقیق اش کرد. آنقدر که قلم مو به روانی روی بوم حرکت کند. یک نصفه روز یا شاید بیشتر روی خطوطِ چهره وقت گذاشته بود. اولش با مدادی کمرنگ اتود زده بود. بعد با کُنته، پر رنگش کرده بود. طوری که از چند متری، خوب دیده شوند. از بوم فاصله گرفت. از روبرو نگاه کرد. با خود گفت: باید مواظب سفیدی چشم ها باشم. سفیدی ها زیاد که شوند، پیام خوبی را منتقل نمی کنند. در عوض مردمک و سیاهی چشم هر چقدر درشت تر باشد، به صورت بیشتر می آید. نمی دانست کجا خوانده بود که اندازه ی مردمک چشم آدم ها به وسعت دنیای آدم ها بستگی دارد. در عالم واقعی هم همینطور است.اصلا مگر دنیای هنر، بازآفرینیِ دنیای واقعی نیست؟ بعد، از دو زاویه ی چپ و راست هم به بوم نگاه کرد. خطوطی از درد و دَمَغی به چهره اش دوید؛ "همه چی اگه خوب پیش بره، این تیغه ی دماغ کار دستم می ده! . . . بی خود نیست که بچه ها می سپارنش به تیغ جراح!"

ناگهان گفت: "رنگ مردمک هم مهمه. "

بعد پرسید: "یعنی واقعا راسته؟!

رنگ چشم تیره اگه باشه، دنیای صاحبش تیره و تاره؟!

کی تحقیق کرده ببینه آدم هایی که چشم عسلی دارند، زندگی شون شیرینه؟

یا آدم های چشم آبی، دلشون به وسعت دریاست!

فقط شنیدم که چشم گربه ای ها . . .

نمی دونم چرا این خیال ها به ذهنم هجوم آوردن؟!

باید حتی اگه شده یه قسمت کوچکی از واقعیت رو در بومم نقش بزنم. . . "

همینطور که با خودش در گیر بود، قلم مو در چسبناکیِ رنگ غوطه خورد، چند دورِ چسبناک زد و در رنگی دیگر نشست و قیافه ای سرد و عبوس به خود گرفت و در طرفی از صورت، سایه انداخت. گویا ابری بالای پیشانی خیمه زده است. تلنگری به ذهنش خورد: "دستِ خودمه! همه چی. . . خیلی چیزا دستِ خودمونه. بذار اون قسمت دیگه رو خودم درستش کنم!" قلم مو را در لیوانِ پافیلی شست. در رنگِ زرد زد. در سفید زد، آهسته روی نارنجی سُراند و بر شقیقه و بناگوش و گونه مالاند. روشنای گرمی به بوم دویده بود.

درست مثل هر صبح که رودابه بر بام آسمان از خود رونمایی می کند و زال واله و شیدا از تابِ گیسوان، خود را بر بام برمی کشد و زندگی لبخند می زند. . . از فکری که کرده بود، حظ برد. دور خودش چرخ زد. چرخ، چرخ، چرخ. خندید. قهقهه زد. آیا اگر در غیر از این فضا بود، چنین زیبا به دنیا می اندیشید؟ نمی‌دانست، فقط می دانست که باید این جهان را دوباره و چندباره و هر بار به گونه ای دلخواه در ذهن، آفرید و دیگران را با افسونِ بازآفرینی های هنری آشنا ساخت تا بلکه رنج و شکنج زمانه را تاب آورند. با خود گفت:"اگر هنر نبود انسان روزی هزاربار استخوان هایش زیر بار سنگین غم ها می شکست و می مُرد! "

در همین حال و هوا بود که در ذهنش جرقه زد: "ماه چی؟ او نیز در شب، دلبری می کند. همان عروس آفتاب ندیده ای که آی. . . آی. . . نام دارد یا هر اسم دیگری که ذهن ها را به "ماه " ببرد. باید این زیبای خفته رو هم روی بوم، موندگار کنم که بمانَد به یادگار . . . "

دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان عنوان کرد:

برپایی جشنواره سی و چهارم با شعار «سینما؛ سرزمین خیال»

دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، از برپایی این دوره از جشنواره با شعار «سینما؛ سرزمین خیال» خبر داد.

به گزارش گروه فرهنگی ایرنا و بر اساس اعلام ستاد اطلاع‌رسانی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، سی و چهارمین دوره این جشنواره نیمه دوم مهر ماه امسال برگزار خواهد شد.

جشنواره‌ای که برپایی آن در شرایط دشوار کرونایی به واسطه تعریفی که در آن «تولید» و «عرضه» فیلم برای «مخاطب کودک و نوجوان» اصل قرار می‌گیرد، اهمیتی تاریخی دارد و به‌نوعی، یک حرکت برای تأمین خوراک فرهنگی نسل نو و شادی‌آفرینی و تهییج این نسل محسوب می‌شود.علیرضا تابش دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان آخرین اطلاعات درباره این رویداد سینمایی را مطرح کرد.

سال گذشته اولین تجربه برپایی جشنواره آنلاین- فیزیکی در کشور را ثبت کردید و امسال در شرایطی که کشور تحت تاثیر پیک پنجم بیماری کروناست، در جستجوی راهکار متفاوت‌تری هستید...از دشواری‌های این دوره بگویید.

– دنیا و به ویژه ایران، از بحران کرونا آسیب دیده است؛ ما با دنیایی سوگوار و کشوری سوگوار روبروییم. کودکانِ این سال‌ها، خاطراتی اندوهناک برایشان باقی خواهد ماند مملو از اعداد و ارقام و از دست دادن‌ها و دل‌نگرانی‌ها... معرفی سرزمین تخیل به کودکان باید در اولویت آثار هنری و سینمایی باشد و سینمای کودک و نوجوان در سرزمینی که سرچشمه پیشرفت و خاستگاه امید است، یکی از این ظرفیت‌هاست. امید جدی‌ترین ابزاری است که می‌تواند دست کودکان و نوجوانان این نسل را بگیرد و آنها را از این بحران به سلامت بگذراند و این سینماست که می‌تواند با نشان دادن وسعت سرزمین پهناور تخیل، شعله امید را در ذهن آنها روشن نگاه دارد. نظر به اهمیت این چشم‌انداز، جشنواره سی و چهارم با شعار «سینما؛ سرزمین خیال» برپا خواهد شد.

از انتخاب این رویکرد و نقش رویاسازی و تقویت تخیل در مخاطبان کودک و نوجوان روزگار دشوار فعلی بگویید و این که چگونه می‌توان با هنر-رسانه سینما، در راستای تبلور امید و جلوه‌گری معنای زیستن، تلاش و صبر در کودک و نوجوان اقدام کرد؟

– «چارچوب واقعیت» و «واقعیت‌گرایی»، چارچوبی تنگ برای هنر سینما محسوب می‌شود. سینماگران ما نیز در این سال‌های سخت کرونا، باید بیش از گذشته به سرزمین تخیل سری بزنند تا بتوانند سینمایی مطلوب کودک و نوجوان امروز، خلق کنند. این شعار، یک یادآوری به جامعه سینما نیز محسوب می‌شود که اسیر فشار روزمره‌ای که شرایط سخت این روزها آنها و جامعه را تحت تاثیر قرار داده است، نباشند و دعوتی است از آنان به سرزمین خیال، تا با گذار از چارچوب واقعیت‌گرایی (و نه لزوما واقع‌گرایی)، دنیای سینما را مثل همیشه، دنیایی رنگی و رویاوار نگاه دارند.

با توجه به آمار رسمی اعلام شده، انتظار استقبال فیلمسازان از این دوره را داشتید؟ ایده شما در ارتقای سینمای کودک در دوران پساکرونا چیست؟

– تعداد فیلم‌های سینمایی حاضر در این دوره، نشان می‌دهد حتی کرونا نیز نتوانسته سینماگران ما را متوقف کند. سینمای کودک و نوجوان ایران، نشان داده است که نه زیر فشار کرونا و نه تحت هیچ شرایط دیگری، قصد ترک ارتباط با مخاطبان خود را ندارد و این حجم از تولیدات و تنوع آنها نیز به ما می‌گوید در عصر پساکرونا نیز، که انشاالله به زودی شاهدش خواهیم بود، سینمای کودک و نوجوان در کنار رسانه‌های نوینی مثل VODها و سامانه‌های جدیدتر ارائه محتوا، به حیات خود، پربارتر از همیشه ادامه خواهد داد.

امسال چه تغییرات عمده‌ای در برپایی و اجرای جشنواره به وجود آمده است؟

– در دوره گذشته، با احتیاط و علی‌رغم نفی و انکار برخی از صاحب‌نظران و منتقدان، مسیر برگزاری آنلاین جشنواره را پیمودیم و سربلند از آن بیرون آمدیم، امسال اما در شرایطی برای دومین بار و به حکم ویروس منحوس کرونا، شیوه برگزاری جشنواره به‌صورت ترکیبی آنلاین و آفلاین خواهد بود که بسیاری از منتقدان دیروز، خود به قدرت ابزارهای نوین و فناوری‌های نوظهور ایمان آورده و کمتر کسی باقی مانده است که منکر نقش قدرتمند این ساحت جدید فناورانه در آینده سینما باشد. امیدواریم در این دوره نیز، با تمهیداتی که اندیشیده شده بتوانیم ابعاد جدیدی از ظرفیت‌های ترکیب فناوری‌های مبتنی بر اینترنت و ظرفیت‌های فیزیکی موجود در سینما (در اصفهان و استان‌های کشور با رعایت پروتکل‌های بهداشتی) را ارائه داده و درس‌هایی جدید از آن بگیریم.

«زنگ تفریح» ایران در بخش رسمی جشنواره بین‌المللی آدانا در ترکیه

فیلم کوتاه «زنگ تفریح» به کارگردانی نوید نیکخواه آزاد، در سی و هشتمین حضور جهانی، به بخش رسمی مسابقه آثار کوتاه بین‌الملل بیست و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی آدانا در ترکیه راه یافت و برای کسب جایزه اصلی در این بخش به رقابت می‌پردازد.

به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا، جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا کنفرانس مطبوعاتی بیست و هشتمین دوره این رویداد را در حضور خبرنگاران و اهالی رسانه برگزار کرد و رسما از بخش‌های مختلف این دوره رونمایی کرد. از بخش های مختلف جشنواره می‌توان به نمایش آثار کوتاه و بلند، مرور آثار، بزرگداشت، جلسات پرسش و پاسخ اشاره کرد و در بخش ویژه‌ای یاد اسطوره ادبیات ترکیه، یاشار کمال، زنده نگه داشته می‌شود.

فیلم کوتاه زنگ تفریح به کارگردانی نوید نیکخواه آزاد در بخش رسمی مسابقه آثار کوتاه بین‌الملل جشنواره حضور دارد و با آثار شاخصی از ترکیه، ژاپن، ایران، آمریکا، ایتالیا، اسپانیا، هند، روسیه و کوزوو برای کسب جایزه حباب زرین (Golden Boll) به رقابت می‌پردازد. جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا (International Adana Golden Boll Film Festival) یکی از معتبرترین و قدیمی‌ترین رویدادهای سینمایی در ترکیه است.

این جشنواره با الهام از ییلماز گونی، کارگردان افسانه‌ای کُرد اهل ترکیه که در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲ میلادی) برای فیلم جاده (Yol) برنده نخل طلای جشنواره کن شد، با آغاز عصر جدیدی که نشان از واگرایی سینمای سنتی به سمت آگاهی سیاسی داشت، پا به عرصه وجود گذاشت. آدانا، همچنین، سرزمین فیلمسازان، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران شاخصی از جمله یاشار کمال، نویسنده برجسته و فعال حقوق بشر اهل ترکیه، است.

اولین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا معروف به «گلدن بول» (Altın Koza International Film Festival) به همت شهرداری و باشگاه سینمایی آدانا در سال ۱۳۴۸ (۱۹۶۹ میلادی) پا گرفت و تا سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) ادامه یافت. بحران اقتصادی، آشفتگی سیاسی و در پی آن زلزله مرمره توقفی هفت ساله در برگزاری آن به‌وجود آورد و در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ میلادی) حیاتی دوباره یافت. عنوان جشنواره و جایزه آن (گلدن بول) از کشت گسترده پنبه در منطقه چوکوروا در جنوب باختری ترکیه در استان آدانا وام گرفته است.

فیلم کوتاه زنگ تفریح با نام بین‌المللی «The Recess» به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی نوید نیکخواه‌آزاد برگرفته از یک ماجرای واقعی است و قصه یک دختر دبیرستانی را روایت می‌کند که می‌خواهد در طول زنگ تفریح و با کمکِ سه دوست خود مخفیانه از مدرسه خارج شود و برای تماشای مسابقه فوتبال استقلال- العین در چارچوب مسابقات لیگ قهرمانان آسیا به ورزشگاه آزادی برود. این سی و هشتمین حضور بین المللی فیلم کوتاه «زنگ تفریح» در جشنواره های جهانی است.

فیلمسازان برجسته ای چون ییلماز گونی، متین ارکسان ، عمر لطفی آکاد ، یلماز دورو ، بیلگه اولگاچ در جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا حضور داشته‌اند و چهره‌های مطرحی چون ییلماز گونی، نوری بیلگه جیلان، لی چانگ دونگ، آندری زویاگینتسف، رها اردم، سمیع کاپلان اوغلو از این رویداد جایزه دریافت کرده‌اند. از عوامل شاخص زنگ تفریح می‌توان به وحید نیکخواه‌آزاد (تدوینگر) و بهروز بادروج (مدیر فیلمبرداری) اشاره کرد. فیلم کوتاه زنگ تفریح محصول «شمید فیلم» است و پخش جهانی آن را شرکت اسپانیایی «Feel Sales» برعهده دارد.

بیست و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم آدانا (International Adana Golden Boll Film Festival) در این دوره با رعایت کامل اصول بهداشتی از ۲۸-۲۲ شهریور (۱۹-۱۳ سپتامبر) به‌صورت رویداد حضوری برگزار می‌شود.

سینما شغل نیست یکجور زندگی است

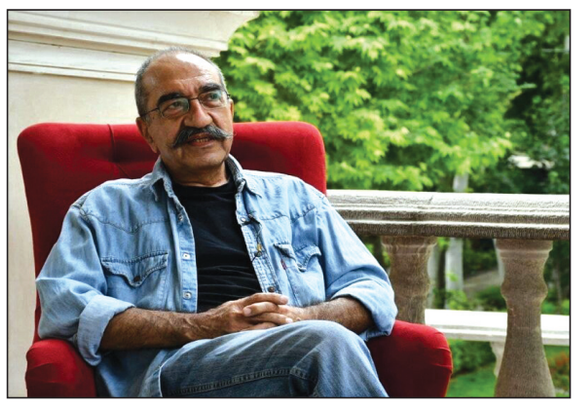

فیلمبرداری پیشکسوت و مطرح سینما، گفت: معتقدم سینما یک شغل نیست بلکه یکجور زندگی است. کسانی که می‌خواهند وارد آن شوند باید متوجه باشند وارد عرصه ای می‌شوند که شکل زندگی بیرون نیست، یک جور دیگری است.

تورج منصوری فیلمبرداری پیشکسوت و مطرح سینما در آستانه روز ملی سینما با بیان اینکه اقوامش خراسانی هستند، گفت: در تهران به دنیا آمدم و بزرگ شدم. پسر خاله ام از مشهد به تهران برای تحصیل آمده بود، او در خانه‌اش عکاسی و در آنجا عکس ظاهر می‌کرد و من هم در همان کودکی علاقه‌مند شده بودم تا ببینم او در آن تاریک‌خانه چه کاری انجام می‌دهد و این کاغذ سفیدی که زیر نور قرمز تاریک‌خانه کم کم تبدیل به عکس می شد جادویی بود که من را ربود.

وی با بیان اینکه اولین کار حرفه‌ای خود را در سینمای ایران به عنوان دستیار کارگردان انجام داده است، افزود: در اولین کار سینمایی‌ام دستیار زنده یاد یدالله صمدی» برای فیلم مردی که زیاد می دانست، بودم. من با فرامرز معطر (فیلمساز قدیمی سینمای ایران) هیچ وقت کار مستقل نداشتم و همیشه دستیار او بودم. یک پسر جوان عاشق اینکار بودم که عکاسی می کردم و اشتیاق زیادی داشتم تا کارهایی که او انجام می داد را یاد بگیرم و هیچ وقت به عنوان دستیار از او طلب دستمزد نکردم و او هم با من طوری برخورد می کرد که شاگرد او هستم. خیلی دوران طولانی نبود اما دینی که به او دارم تا پایان عمر همراه من است. منصوری خاطرنشان کرد: یادم می آید وقتی قرار بود با دوربین دیجیتال کار کنم خیلی با آن آشنایی نداشتم زیرا تازه به ایران آمده بود. به دانشجوی خودم تورج اصلانی مراجعه کردم و از او کار با دوربین دیجیتال را آموختم. جالب است که یک روزی من به او آموزش دادم و یک روز از او چیز بهتری را یاد گرفتم و این امر خیلی قشنگ و فرایندی شیرینی است و یک روز به دانشجویی فیلمسازی را آموختم و یک روزی فیلمبردار فیلمش شدم و با افتخار هم کار کردم.

وی با بیان اینکه اولین فیلمی که به عنوان مدیر فیلمبرداری کار کرده است جاده‌های سرد بود، بیان داشت: در آن فیلم محمود کلاری هم حضور داشت و شیرین ترین دوران کاری من دو فیلمی است که با محمود کلاری کار کردم؛ فیلم‌های آن سوی مه و جاده‌های سرد. همچنین همراه با علی نصیریان که به عنوان استاد و برادر بزرگتر می شناسمش و عزت الله انتظامی که بسیار دوستان خوب وآدم های فوق العاده حرفه ای بودند.

منصوری درباره همکاری خود با مسعود جوزانی نیز توضیح داد: جوزانی از من خواست فیلم با من حرف بزن را با او کار کنم. آقای آقاجانیان صدابردار را از تلویزیون آوردیم، ایرج شهزادی را که آن زمان با من کار می کرد به عنوان دستیار بود، من مدیر فیلمبرداری، محمد آلادپوش به عنوان فیلمبردار و محمود کلاری عکاس فیلم و علیرضا رئیسیان دستیار بود.

وی ادامه داد: فیلم با من حرف بزن به عنوان دومین فیلم کوتاه جشنواره فجر شناخته شد که فیلم فوق‌العاده موثری بود و بسیار در بین مخاطبان درخشید.

منصوری با اشاره به بازی‌های درخشان فردوس کاویانی نیز گفت: فردوس کاویانی از بازیگرانی بود که در چند کار درخشان از جمله بانو و در مسیر تندباد و یاد و دیدار با او کار کردم. یکی از بازی های خوبی که از او در ذهن من مانده است اینکه وقتی فیلم «اجاره نشین ها» را دیدم هنوز با او کار نکرده بود؛ دائم در ذهنم این بود که داریوش مهرجویی از این نقش عمله در فیلم چه بازی خوبی گرفته است. فردوس کاویانی را نمی‌شناختم و نمی تونستم باور کنم که او فردوس کاویانی بازیگر است و عمله نیست. بسیار خوب بازی کرده بود و در باورم نبود که یک بازیگر می تواند تا این اندازه خوب بازی کند.

وی درباره آشنایی خود با داریوش مهرجویی نیز توضیح داد: داریوش مهرجویی را خیلی تحسین کردم که با یک فیلمبرداری که به نسبت او نام و نشانی ندارد و جوان است و تا به حال با او کار نکرده است برایش فیلمنامه می فرستد. از فیلمنامه «هامون» بسیارخوشم آمده بود. باهم برای این فیلم صحبت نسبتا طولانی داشتیم و در همان جا زنده یاد خسرو شکیبایی را دیدم که پیش داریوش مهرجویی آمد.

منصوری خاطرنشان کرد: یادم می آید آخرین پلان فیلم هامون را که می گرفتم. سوار ماشین مهرجویی بودیم و هامون پشت ماشین نشسته بود و صحنه معروفی که می گوید «یک کم به راست یک کم به چپ خدایا یک معجزه نشان بده» که یک اتوبوس از کنار او رد می شود و می‌خواهد به دره برود و پاهایش می لرزد. کلوزآپی که از او گرفته می شود دوربین روی شانه من است و من جای پای شاگرد در پیکان نشسته بودم و پلان و برداشت آخر از فیلم هامون را با حضور خسرو شکیبایی گرفتم . مهرجویی گفت بس(هیچ وقت نمی گفت کات) و من کات کردم. از من پرسید چطور بود و من گفتم خوب بود و او در پاسخ گفت برای ما هم خیلی خوب بود. یادشان نبود که پلان آخر فیلم است. اصغر شاهوردی هم پشت سر هامون نشسته بود.

وی درباره همکاری خود با مسعود کیمیایی نیز گفت: وقتی با مسعود کیمیایی کار می کنیم کار کردن با آدم های دیگر سخت است زیرا می‌داند چه می‌خواهد و به هیچ وجه گروه را اذیت نمی کند.

منصوری در ادامه بیان داشت: من یک ویژگی دارم که فکر می کنم اگر فیلمبردار ماندگاری شدم علتش همین یک ویژگی است. من تنها آدمی هستم که دوربینم به صحنه محرم است یعنی به هیچ وجه دوربین من نفر اول جلوی دوربین را اذیت نمی کند و بازیگر را محدود نمی کند.

وی ادامه داد: من معتقدم سینما یک شغل نیست بلکه یکجور زندگی است. کسانی که می‌خواهند وارد آن شوند باید متوجه باشند وارد عرصه ای می شوند که شکل زندگی بیرون نیست، یک جور دیگری است. وقتی پشت دوربین هستیم و کلید را که می زنیم دیگر فرزند پدرمان نیستیم، دوستی نداریم، آن لحظه تمرکز یکپارچه فقط روی موضوعی داریم که دارد خلق می شود و این یعنی یک نوع اعتیاد که هیچ لذتی بیشتر از آن نیست.

تورج منصوری، برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری از هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلم هامون در سال ۱۳۶۸ و برنده لوح زرین بهترین فیلمبرداری از چهارمین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلم جاده های سرد در سال ۱۳۶۴ بوده است.

یادآور می‌شود، موزه سینمای ایران به عنوان مجموعه‌ای فرهنگی و تاریخی که راوی سیر تاریخ و تحولات سینمای ایران است خود را موظف می‌داند نظرات و دیدگاه‌های سینماگران باتجربه و پیشکسوت را جمع آوری کرده تا نسل‌های آینده با نگاه و مسیر زندگی حرفه‌ای و نحوه خلق و شکل گیری آثار هنرمندان و صاحب نظران هنر سینما آشنا شوند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دو پیام تسلیت صادر کرد

اسماعیلی دو پیام تسلیت در پی درگذشت پدر یونس شکرخواه و برادر آیت الله مکارم شیرازی صادر کرد.

به گزارش گروه فرهنگی ایرنا، محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیام‌هایی جداگانه درگذشت پدر یونس شکرخواه از اساتید برجسته علوم ارتباطات و همچنین ارتحال برادر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی را تسلیت گفت. در متن پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به یونس شکرخواه آمده است: خبر فقدان پدر ارجمندتان و به سوگ‌نشستن جنابعالی که عمر خویش را صرف قلم زدن در صفحات سال‌های دور و نزدیک مطبوعات کشور، تربیت شاگردان و روزنامه‌نگاران متخصص و متعهد و نیز خلق آثار جاودان دانشگاهی در این عرصه کرده اید، موجب تاسف عمیق اینجانب گردید.

از خداوند سبحان برای آن فقید سعید که در ایام سوگواری خاندان عصمت و طهارت دار فانی را وداع گفت هم نشینی با اولیاء و صالحان و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم. وی همچنین در پیام دیگری، درگذشت برادر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی را به ایشان تسلیت گفت. در متن پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته آمده است: سلام علیکم. ضمن عرض ادب و احترام، ارتحال برادر ارجمندتان مرحوم آقای حاج رحیم مکارم را در ایام عزای آل الله علیهم صلوات الله و حماسه آفرینی آزادگان دشت کربلا تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم. از خداوند سبحان برای آن فقید سعید، هم نشینی با اولیاء و صالحان و برای حضرتعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.